

## بن مایه‌های اعتقادی نقش «مادری» زن در آموزه‌های وحیانی\*

□ مهیار خانی مقدم<sup>۱</sup>

### چکیده

در پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، بن مایه‌های اعتقادی نقش «مادری» زن در آموزه‌های وحیانی بررسی و ساختار بینشی ارائه شده است که براساس آن، توانایی پاسخ‌گویی به برخی از شبهات مرتبط به دست می‌آید و بطلان برخی از نگرش‌های انحرافی، آشکار می‌گردد. بدین منظور، براساس سه شاخصه «هدایت» (ناظر به اصول توحید، نبوت و امامت)، «حکمت» (ناظر به اصول توحید و عدل) و «رضایت» (ناظر به اصول توحید و معاد) مطالب ساماندهی گردید که برجسته‌ترین نتایج به دست آمده از آن بدین قرار است:

۱. شاخصه‌های جسمی و روحی زن از یک سو و مجموعه حقوق و تکالیف مرتبط با نقش مادری او از سوی دیگر، بیان‌گر هماهنگی هدایت تکوینی و تشریحی و نقش قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام در فهم انسان نسبت به جایگاه و کارکرد نقش مادری است؛
۲. زن براساس حکمت الهی، مظهر تداوم و تربیت نسل انسان است و مدیریت او در برابر تراحم‌های درونی و بیرونی و عمل به فرامین الهی و اخلاص در

پژوهش‌های اجتماعی اسلامی

انجام آن، ضمن فراهم آوردن موجبات رضایت زن از ایفای نقش مادری، رضایت الهی و سعادت اخروی را به ارمغان می‌آورد.  
واژگان کلیدی: زن، مادری، اصول عقاید، فرهنگ اسلامی، قرآن

### مقدمه

پیامبر اسلام ﷺ، به عنوان آخرین پیامبر الهی (احزاب/۴۰)، عهده‌دار ارائه یک فرهنگ برجسته برگرفته از وحی الهی گردید که دارای چارچوب و معارفی جاودانه است. این فرهنگ و حیانی که بر پایه آموزه‌های قرآنی و تبیین پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام شکل گرفته، دارای اهداف و آثار برجسته‌ای است که به عنوان نمونه می‌توان به قوام بخشی به نقش‌های فردی و اجتماعی انسان‌ها اشاره کرد. بدین معنا که انسان به تناسب جایگاه فردی و اجتماعی که در جهان هستی و جامعه به دست می‌آورد، با گستره‌ای از مبانی بینشی و کنشی و بایسته‌های تکلیفی و حقوقی مواجه می‌شود که لازمه آن، تشخیص مبانی و بایسته‌های صحیح، جهت ایفای نقش‌های فردی و اجتماعی منطبق بر حقایق هستی و هویت بخشی به نقش‌ها براساس اوامر الهی است.

در فرهنگ و حیانی - اسلامی، زن و مرد بر اساس ساختار متفاوت جسمی و روحی، وظایف متفاوتی را در زندگی به عهده می‌گیرند (نوری‌زاد، ۱۳۸۳، ۲۰۹)؛ اما در این میان، نقش مادری به عنوان حساس‌ترین نقش زن در نظام هستی، دارای آثار تربیتی غیرقابل جایگزین است و عنایت ویژه‌ای که در آموزه‌های اسلامی نسبت به آن وجود دارد، بیان‌گر اهمیت جایگاه آن خواهد بود.

معادل واژه مادری در فرهنگ و حیانی - اسلامی، لغت «ام» است که لغت‌شناسان آن را به معنای هر چیزی که «به طور ویژه مورد توجه بوده» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۱/۱۳۵)، «اصل و ریشه چیزی باشد و اشیاء دیگر به آن وابسته باشند» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۸/۴۲۶)، «چیزی را تربیت و اصلاح کرده باشد» و «مبدأ و

سرآغاز چیزی باشد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۸۵) دانسته‌اند. با توجه به نقش مادری، که واسطه اصلی در آفرینش انسان، مهم‌ترین شکل دهنده شخصیت و عامل تعیین کننده‌ای در پرورش جسمی و روحی او است، معانی مذکور شایسته توجه است. در قرآن کریم نیز واژه «ام» در معانی «مادر (اصطلاح رایج)» (قصص/۷)، «اصل و پایه» (آل عمران/۷) و «مرکز و معظم چیزی» (انعام/۹۲) به کار رفته است (قرشی، ۱۴۱۲ق، ۱۳/۲).

در سال‌های اخیر، برخی از نظریه‌ها درباره زن و خانواده بر مبنای اندیشه‌های اومانسیم<sup>۱</sup> (انسان محوری)، با تأکید بر آنکه انسان، محور و مقیاس همه چیز و خاستگاه شناخت است (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶، ۱۴۱-۱۴۲)، رواج یافته است که براساس آنها، زنان می‌بایست به آزادی مطلق دست یابند. بدین رو، وظایفی همچون مادری و همسری، موجب محدودیت آنها می‌گردد (ر.ک: زیبایی‌نژاد، سبحانی، ۱۳۸۸، ۹۸) و الزامی برای تشکیل خانواده، به معنای سنتی آن، وجود ندارد (ر.ک: مطهری، بی تا، ۳۰۴/۲۱). متأسفانه گرایش به ویژگی‌های زن مدرن، که نفی مقام مادری را به دنبال دارد، در گروه سنی جوان (۳۴-۱۵ سال) جامعه ایران مشاهده شده (نمونه ر.ک: آزاد ارمکی، غیاثوند، ۱۳۸۳، ۲۳۶) و رواج شبهات گوناگون برای پرهیز دادن دختران و زنان از پذیرش نقش مادری، به ویژه از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای، فضای مجازی و نرم افزارهای ارتباط جمعی، بیش از پیش گسترش یافته است. از آنجا که بنیان اندیشه‌ای جامعه ایران مبتنی بر معارف اصیل فرهنگ و حیانی - اسلامی است، به نظر می‌رسد می‌بایست مبانی نقش «مادری» زن در اصول اعتقادی فرهنگ مذکور تبیین گردد که پژوهش حاضر، در حد بضاعت، عهده‌دار این امر خطیر خواهد بود.

باید توجه داشت که تبیین نقش مادری در آموزه‌های اسلامی، مورد عنایت صاحب نظران بوده و آثار پژوهشی نیز در این زمینه به نگارش درآمده است، که

به عنوان نمونه می‌توان به مقاله «نقش مادری در آموزه‌های قرآنی» تألیف اعظم نوری که در شماره چهارم دوفصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده انتشار یافته است اشاره کرد که در آن به ویژگی‌ها، حقوق و وظایف مادران در قرآن اشاره شده است. همچنین در مقاله «قرآن و نقش تربیتی مادر در خانواده» تألیف سید حسین هاشمی که در مجله علمی - پژوهشی پژوهش‌های قرآنی انتشار یافته است، با توجه به دستورات صریح قرآن در واگذاری تربیت فرزندان به مادر و ارائه الگوهای موفق مادران در قرآن، به نقش تربیتی مادران در نهاد خانواده پرداخته شده است. اما وجه اهتمام نگارنده در نگارش این نوشتار، عنایت به فرهنگ و حیانی - اسلامی به مثابه منشأ ترسیم نظام عقیدتی برای نقش مادری است تا با نگرشی نظام‌مند، ساختار بینشی را ارائه کند که براساس آن، توانایی پاسخ‌گویی به برخی از شبهات مرتبط به دست آید و بطلان برخی از نگرش‌های انحرافی، آشکار گردد.

در ابتدا به تبیین فرهنگ و حیانی - اسلامی پرداخته خواهد شد تا گستره مبنایی پژوهش مشخص گردد. سپس به اصول اعتقادی فرهنگ و حیانی - اسلامی اشاره می‌شود و از آنجا که به عقیده نگارنده، ریشه اکثر شبهات و پاسخ‌گویی به آنها در برجسته‌ترین دغدغه‌های فکری انسان است، دغدغه‌های مذکور ارائه خواهد شد تا شاخصه‌هایی محوری جهت ساماندهی پژوهش به دست آید. سپس براساس شاخصه‌های مذکور به تتبع در آموزه‌های و حیانی (قرآن کریم و سنت اهل بیت علیهم‌السلام) (آنچه در قرآن وجود دارد، وحی قرآنی و آنچه در سنت قطعی معصومان علیهم‌السلام آمده، وحی بیانی است (عابدی، ۱۳۸۷، ۴۹)) پرداخته شده و رهیافت‌های پژوهش ارائه خواهند شد.

### ۱. تبیین فرهنگ و حیانی - اسلامی

برای تبیین فرهنگ و حیانی - اسلامی باید بر مفهوم هر سه واژه مذکور عنایت داشت:

## ۱-۱. فرهنگ

واژه فرهنگ از ترکیب دو جزء «فر» به معنای جلو، بالا، شکوه، درخشندگی و بزرگی، و «هنگ» به معنای قصد و آهنگ، بیرون کشیدن و برآوردن، تشکیل شده است. معانی متعددی همچون تعلیم و تربیت، علم و ادب، عقل و خرد، آموزش و پرورش و بزرگی و سنجیدگی (دهخدا، ۱۳۷۶، ۱۱/۱۷۱۳۲) را در معنای لغوی آن ذکر کرده‌اند که در آنها، مفاهیمی همچون پیشرفت و کمال اشتراک دارد. برای واژه فرهنگ، تعاریف اصطلاحی متعددی ارائه شده که تعریف برگزیده نگارنده بدین قرار است: «مجموعه یافته‌های آدمی در ارتباط با دورانی است که برای رسیدن به تمدن طی کرده و بدین ترتیب، ترکیبی از کلیه باورهای مذهبی، سنن و آداب، سیاست، علم و فن، دانش‌ها و پویش‌های اقتصادی است که ریشه در عوامل متعدد مذهبی، جغرافیایی، تاریخی و اجتماعی داشته و در هر جامعه نسبت به جامعه دیگر، متفاوت است» (ر.ک: فرهیخته، ۱۳۷۷، ۵۷۵). می‌توان هسته اصلی فرهنگ را عقاید سنتی (یعنی نشأت گرفته و انتخاب شده در سیر تاریخی) و ارزش‌های وابسته به آنها دانست (نویسندگان، ۱۳۷۶، ۶۳۰).

## ۲-۱. وحیانی

معنای وحی در لغت عبارت است از «القاء مطلب در باطن دیگری (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۱۳/۵۶) و الهامی (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۳/۳۲۰) که بر اساس آن، مطلبی به صورت اشاره پنهانی و در قالب صدای پنهان یا نوشتن در نهران و با سرعتی برق‌آسا به دیگران القاء شود تا آن را بفهمند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۸۵۸). در قرآن، واژه وحی در معانی متعددی از جمله اشاره پنهان (مریم/۱۱)، الهام فطری و غریزی (نحل/۶۸-۶۹)، الهام درونی (قصص/۷) و وحی رسالی (نساء/۱۶۳-۱۶۷) به کار رفته است، که مراد از وحی در این نوشتار، همان وحی

رسالی است که براساس آن، خداوند متعال، سخن خود را از طریق ارتباط بدون واسطه یا ایجاد صدا و یا فرستادن فرشته وحی (شوری/۵۱) بر انبیاء خود القاء می کند (حجتی، ۱۳۸۷، ۳۱) و نمود بارز و جاودانه آن، قرآن کریم است که از طریق حضرت جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام در مدت ۲۳ سال بر پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل گردید (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶، ۳۷۶).

خداوند، ابزارهای گوناگون شناخت، شامل حس، خیال، وهم، عقل و قلب (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶، ۵۹-۶۰)، را در اختیار انسان قرار داده است؛ اما با تمام این ابزارها، فهم و درک برخی از معارف برای انسان امکان پذیر نیست (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ۳۵) و او در این زمینه به وحی الهی نیازمند است و آنچه از طریق وحی به دست می آورد را نمی تواند از مسیر دیگری به دست آورد (بقره/۱۵۱). اگر پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَام نبودند، بخشی از علوم و معارف برای همیشه از دسترس بشر خارج می گردید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۵۱۳/۱). به بیانی دیگر، جمیع معارف اسلامی (اعم از اصول و فروع) جز از طریق وحی به دست انسان نمی رسید و اگر تعالیم عالی پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خاندان گرامی او نبود، بشر به رشد و کمال حقیقی خود دست نمی یافت (طیب، ۱۳۷۸، ۲۴۸/۲).

### ۱-۳. اسلامی

از نظر لغوی، اسلام را به معنای «انقیاد و تسلیم شدن» (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ۳۹۶/۲) و «وارد شدن در صلح و خیر» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۴۲۳) دانسته اند و از نظر اصطلاح، آن را خضوع و انقیاد در برابر آنچه نبی مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عنوان شرع مقدس آورده (دغیم، ۲۰۰۱، ۵۰) معنا کرده اند که برنامه کلی آن، تسلیم شدن انسان در برابر خداوند متعال است (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۲۲). از آنجا که دین اسلام پس از همه ادیان به بشر عرضه شده و حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آخرین پیامبر الهی است، معارف اسلام با سه شاخصه «همه زمانی»، «همه مکانی» و «همه نژادی» ارائه شده است تا زمینه لازم جهت هدایت انواع بشر از نزول اسلام تا وقوع

قیامت را فراهم گرداند.

#### ۱-۴. مفهوم «فرهنگ و حیانی - اسلامی»

﴿۱۳۳﴾

به نظر می‌رسد می‌توان در جمع‌بندی مباحث این بخش، مفهوم «فرهنگ و حیانی - اسلامی» را بدین شرح دانست: «مجموعه‌ای از آموزه‌های بینشی (ناظر به عقاید و باورها)، گرایش (ناظر به ارزش‌ها) و کنشی (ناظر به آداب، رسوم، الگوها و شیوه‌های عملی) است که از قرآن کریم و سیره پیامبر گرامی اسلام ﷺ و اهل بیت ایشان علیهم‌السلام، به عنوان تبیین‌کنندگان قرآن، به دست می‌آید».

در خصوص تأکید بر قید «و حیانی - اسلامی» دو نکته مورد نظر بوده است: اول؛ با توجه به متون عهدین موجود که شامل مطالب تحریف شده، متعارض و خرافی است (ر.ک: توفیقی، ۱۳۸۹، ۸۲)، قرآن تنها کتاب و حیانی است که متن صحیح آن در اختیار بشر قرار دارد و خداوند نیز نسبت به حفظ کردن آن از تحریف، وعده داده است (حجر/۹). بدین رو، دین مبین اسلام، تنها شریعت آسمانی است که معارف اصیل آن برای هدایت بشر باقی مانده است. دوم؛ معارف اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم منطبق بر وحی است و براساس وحی الهی می‌بایست پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، اهل بیت علیهم‌السلام ایشان به امامت و زعامت انسان‌ها پردازند (ر.ک: مائده/۶۷؛ نساء/۵۹) تا آموزه‌های قرآنی در کامل‌ترین صورت آن تحقق یابند و نسل‌های مختلف بشر از هدایت و حیانی قرآن بهره‌مند گردند.

#### ۲. شاخصه‌های مبنایی پژوهش

به نظر نگارندگان باید شاخصه‌هایی مشخص گردد تا براساس آن، پاسخ‌گویی به مسأله پژوهش با نظام‌مندی مناسب‌تری صورت پذیرد. برای این امر نیز تأمل در دو مبحث «اصول عقاید فرهنگ و حیانی - اسلامی» و «برجسته‌ترین دغدغه‌های فکری انسان» صورت خواهد گرفت و نتیجه آن، ارائه خواهد شد.

## ۲-۱. اصول عقاید فرهنگ و حیانی - اسلامی

فرهنگ و حیانی - اسلامی بر توحید استوار است؛ بدین قرار که آیات متعددی از قرآن کریم در بیان توحید الهی بوده (به عنوان نمونه ر.ک: بقره/۱۶۳؛ آل عمران/۲؛ نساء/۸۷) و بر همان اساس است که پیامبر اسلام ﷺ با بیان «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» مردم را به دین اسلام دعوت کرده است (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ۵۶/۱). بدین رو در فرهنگ و حیانی - اسلامی، هستی بخشی، خلقت و یکتا بودن از جمله ویژگی‌های مختص خداوند بوده (صدوق، ۱۳۷۱، ۸۷) و قضا و قدر الهی بر تمام جهان حاکم است (مطهری، بی تا، ۸۶/۲). همچنین خداوند از طریق انبیاء و امامان علیهم السلام به هدایت انسان‌ها پرداخته است که بر اساس آن، نبوت (ر.ک: توبه/۱۲۸) و امامت (ر.ک: مائده/۶۷)، اصول دوم و سوم اعتقادات یک مسلمان در مکتب اهل بیت علیهم السلام است که اساس آن بر مصونیت انبیاء الهی و امامان از هرگونه گناه، خطا و اشتباه جهت رساندن پیام هدایت الهی به انسان‌ها و هدایت آنها در مسیر عبودیت الهی است (آل کاشف الغطاء، ۱۴۱۳، ۶۶-۷۴).

اصل چهارم، عدل الهی و اعتقاد به این امر مهم است که خداوند در تمام امور، هرگز ظلمی نمی‌کند (فصلت/۴۶). اصل پنجم نیز بر وقوع قیامت و پاداش و یا عذاب انسان در برابر نیت‌ها و افعال خویش اشاره دارد (آل کاشف الغطاء، ۴۱۳، ۷۵-۷۹). بدین قرار، پنج اصل توحید، نبوت، امامت، عدل و معاد، اصول عقاید فرهنگ و حیانی - اسلامی (ر.ک: خاتمی، ۱۳۷۰، ۶۳-۶۲) را تشکیل می‌دهند.

## ۲-۲. برجسته‌ترین دغدغه‌های فکری انسان

از آنجا که مبنای اکثر شبهات، معطوف به دغدغه‌های فکری انسان بوده، عنایت بر دغدغه‌های مذکور دارای اهمیت فراوانی است. به نظر نگارنده می‌توان



برجسته‌ترین دغدغه‌های عمومی فراروی انسان<sup>۲</sup> را شامل «انتخاب مسیر و راهنمایی حقیقی جهت نیل به آرامش حقیقی» (وجود راهنمایان حقیقی مورد تأکید خداوند است، به عنوان نمونه ر.ک: السجده/۲۴)، «حکیمانه بودن زندگی و خلقت» (ر.ک: انبیاء/۱۶-۱۷) و «تعیین مرجع و ملاک برای کسب رضایت پایدار» (ر.ک: بینه/۸۷) دانست و در تبیین مختصر آنها، دو نکته را بیان داشت:

۱. انسان براساس کششی درونی و فطری به سوی خالق هستی گرایش دارد (روم/۳۰)، هر چند که گسترش جنبه‌های مادی زندگی بدون توجه به ابعاد معنوی آن، موجب کم‌رنگ شدن این امر می‌شود. بدین قرار، براساس وجدان درونی خواهان بهره‌مندی از راهنمایان حقیقی است تا به واسطه آنها، به آرامش حقیقی و پایدار در مقام قُرب به خالق هستی دست یابد. البته همواره تلاش کانون‌های ثروت و قدرت، که گاه در قالب مذاهب گوناگون ظاهر می‌شوند، بر آن بوده تا با معرفی الگوها و راهنمایان دروغین، به سوء استفاده از این کشش درونی در جهت کسب منافع دنیوی پردازند و در این راستا نیز آموزه‌های منحرف و فاسدی رواج یافته است.

۲. علاوه بر فطرت، عقل آدمی نیز با تأملی در نظم و حکمت نهفته در جهان آفرینش، بر حکیمانه بودن زندگی و خلقت اذعان خواهد داشت و یقین به ویژگی‌های بی‌نظیر خالق هستی، لزوم جهت‌گیری تمامی موارد بیشی، گرایشی و کنشی انسان در راستای رضایت خالق را به دست خواهد داد. اما متأسفانه با تلاش کانون‌های فاسد مذکور، هدف‌زدایی از زندگی و اتفاقی دانستن نظم هستی در قالب آموزه‌هایی منحرف ترویج شده است تا از یک سو، خالق هستی و توانایی بی‌نظیر وی نفی گردد و از سوی دیگر، با نفی هرگونه امتداد و سرانجام مشخص برای زندگی انسان، ضمن تأکید بر لزوم بهره‌گیری از تمام منافع مادی، به رغم تجاوز به تمامی حریم‌های فردی و اجتماعی، ملاک رضایت را تأمین خواسته‌های انسان‌ها، به رغم تمامی تعارض‌ها و نقص‌ها، قرار دهند.

جمع‌بندی مباحث این بخش بدین قرار است که می‌توان براساس سه شاخصه «هدایت»، «حکمت» و «رضایت»، بُن‌مایه‌های اعتقادی نقش «مادری» زن در فرهنگ و حیانی - اسلامی را بررسی و در این مسیر، جنبه‌های برجسته‌ای از نگرش اسلام به مفهوم و جایگاه مقام مادری را تبیین کرد. شاخصه هدایت، علاوه بر اصل توحید بر اصول نبوت و امامت تأکید دارد؛ شاخصه حکمت، علاوه بر اصل توحید، به اصل عدل نیز اشاره دارد؛ شاخصه رضایت نیز ناظر بر اصول توحید و معاد است؛ بدین قرار، اصل توحید در هر سه شاخصه مذکور، نمود بارزی دارد.

### ۳. رابطه اصول عقاید فرهنگ و حیانی - اسلامی و نقش «مادری»

گزارش نظام‌مند تبع در آموزه‌های و حیانی براساس شاخصه‌های هدایت، حکمت و رضایت، البته با لحاظ محدودیت در حجم مطالب، بدین قرار است:

#### ۱-۳. هدایت

انسان، محور رسالت الهی و پدیده‌ای آسمانی است که هستی بر مدار وی می‌گردد (جوادی آملی، بی‌تا، ۲۸۳) و تمام موجودات هستی، یاری‌گر او در مسیر هدایت به رشد و بلوغ‌اند (جائیه/۱۳). وی عهده‌دار «جا»نشینی الهی و حجت خداوند بر آفریده‌شدگان در زمین است (بقره/۳۰). این مقام والای انسان، اقتضات حقوقی و تکلیفی دارد که بر این اساس، نظام وجودی هستی و انسان توسط خداوند، سامان یافته است.

یکی از قوانینی که در نظام هستی حکم فرماست، قانون تکمیل انواع موجودات است، که هر نوع از موجودات را به سوی غایت و هدف هستی‌اش هدایت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۰/۳۸۷) و در قرآن کریم به آن تصریح شده است:

﴿قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾ (طه/۵۰)؛ گفت: پروردگار

ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بود داده است، سپس هدایت کرده است!

﴿۱۳۷﴾

خداوند متعال از طریق هدایت تکوینی (روم/۳۰) و هدایت تشریحی (حدید/۲۵) انسان را با مجموعه‌ای از هست‌ها و نیست‌ها (در نظام بینشی) و نبایدها و نبایدها (در نظام گرایشی و کنشی) آشنا ساخته است تا وی با استفاده از قدرت اختیار خویش، سبک زندگی خود در دنیا و در نتیجه، جایگاه خویش در آخرت را برگزیند.

نخستین و بنیادی‌ترین جایگاه هدایت انسان، خانواده است. خانواده، اساس تشکیل یک جامعه متعالی و مهم‌ترین نهاد اجتماعی در آموزه‌های اسلامی است. تربیت فرزندان از مهم‌ترین آثار تشکیل خانواده و تشکیل خانواده‌ای سالم و به دور از هواهای نفسانی که در آن، افراد با سلامت نفس، کار و تلاش می‌کنند و به بهترین صورت به ستایش پروردگار خویش می‌پردازند، از مهم‌ترین مسائلی است که اسلام بدان توجه داشته است (نوری زاد، ۱۳۸۳، ۲۱۷). نقش اساسی در قوام و دوام خانواده را «مادر» ایفا می‌کند. توجه به استعدادها و غرایزی که در زن به ودیعه نهاده شده است، هر انسان عاقلی را بدین نکته رهنمون می‌سازد که خداوند، زن را در مسیر ایفا کردن نقش مادری، از طریق تکوین و تشریح، هدایت فرموده است.

آنچه در مکتب حقوقی اسلام پذیرفته شده است را می‌توان «حقوق طبیعی - الهی» نامید. در این دیدگاه، نظام حقوقی متناسب با شرایط تکوینی و در راستای کمالات انسانی است، اما در عین حال تأکید می‌شود که شناخت کامل ظرفیت‌ها و مطلوبیت‌ها از عهده معرفت محدود بشری خارج است. هر چند عقل می‌تواند کلیات و اصول اساسی را بشناسد، اما در مورد جزئیات، تنها آفریدگار هستی بر این امر آگاه است (زیبایی‌نژاد، سبحانی، ۱۳۸۸، ۴۴) که از طریق انبیاء الهی و امامان علیهم‌السلام (دو اصل نبوت و امامت) انسان را از امور مرتبط مطلع می‌سازد؛ در

خصوص مادری نیز، این امر تحقق یافته است.

نیکی کردن به مادر توسط تمام پیامبران خدا ﷺ توصیه شده و وسیله تقرب به خداست (مدرسی، ۱۴۱۹، ۳۹/۷). به عنوان نمونه، حضرت عیسی ﷺ در گهواره لب به سخن گشوده و بر احترام به مقام مادر بزرگوارش اشاره دارد (مریم/۳۲). احترام به جایگاه رفیع مادری در سیره گفتاری و رفتاری پیامبر گرامی اسلام ﷺ و اهل بیت ایشان ﷺ نمود بارزی دارد که در ادامه، به اختصار به آن اشاره می‌گردد.

### ۳-۱-۱. هدایت تکوینی در جهت ایفای نقش مادری

در این بخش، به ذکر دو ویژگی برجسته از ابعاد جسمی و روحی زن، که مرتبط با نقش مادری او است، اکتفا می‌گردد:

#### ۳-۱-۱-۳. بعد جسمی در هدایت تکوینی

از لحاظ بعد جسمی در هدایت تکوینی، دو عنصر برجسته تر است: اول، رحم زن که انعقاد نطفه و پرورش جنین در آن انجام می‌پذیرد. خداوند متعال فرموده است:

﴿ثُمَّ جَعَلْنَا نُطْفَةَ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ﴾ (مؤمنون/۱۳)؛ سپس او را نطفه‌ای در قرارگاه مطمئن قرار دادیم.

اکثر مفسران «قرار مکین» را رحم زن دانسته‌اند (به عنوان نمونه ر.ک: قمی، ۱۳۶۷، ۸۹/۲؛ بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱، ۱۱/۹) و دلایل توصیف «رحم» به «مکین» را امکان نگهداری و حفظ نطفه از فساد و نابودی، امکان زیست نطفه (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۰/۱۵) و موقعیت خاص رحم در بدن انسان، که از هر طرف کاملاً تحت حفاظت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۰۸-۲۰۷/۱۴)، برشمرده‌اند. بدین رو، رحم مادر برای فرزندی، جایگاهی مطمئن است که خداوند آن را مقرر نطفه قرار داد و تمام وسائل رشد را در آن مقرر فرمود (طیب، ۱۳۷۸، ۳۶۷/۹).

دوم، سینه زن که پس از تولد کودک، بهترین مواد لازم برای پرورش و

تقویت را از طریق شیر مادر در اختیار کودک قرار می‌دهد. خداوند در قرآن کریم به دوران شیردهی کودک توسط مادر و کمال زمانی آن، اشاره فرموده است:

﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ...﴾

(بقره/۲۳۳)؛ مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می‌دهند. (این برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند....

امام صادق علیه السلام در این زمینه فرموده‌اند: «پس از تولد کودک، وی زبان خود را به نشانه خواستن غذا بیرون می‌کند و پیرامون دهان می‌چرخاند. در این زمان پستان‌های مادرش را که مانند دو مشک از سینه او آویخته است، می‌یابد و تا زمانی که تن او مرطوب، درونش ظریف و اعضایش نرم است از آن می‌نوشد» (مفضل، ۱۳۷۷، ۴۷). در احادیث بر اهمیت شیر مادر تأکید شده است؛ پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «برای کودک، شیری بهتر از شیر مادرش نیست» (صدوق، ۱۳۷۸، ۳۴/۲) همچنین امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «هیچ شیری برای کودک با برکت‌تر (سودمندتر) از شیر مادرش نیست» (طوسی، ۱۴۰۷، ۱۰۸/۸).

### ۳-۱-۲. بُعد روحی در هدایت تکوینی

از لحاظ هدایت تکوینی و بُعد روحی آن، دو عنصر برجسته‌تر است: اول، گرایش زن‌ها به فرزندآوری است؛ می‌توان به عنوان نمونه به واقعه بشارت الهی به فرزندآوری حضرت ابراهیم علیه السلام در سنین پیری - در حالی که مدت طولانی از سن باروری همسر ایشان گذشته بود - اشاره کرد که همسر ایشان از این بشارت الهی بسیار خوشحال و متعجب شد:

﴿فَأَقْبَلَتْ امْرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ﴾

(ذاریات/۲۹)؛ در این هنگام همسرش جلو آمد در حالی که (از خوشحالی و تعجب) فریاد می‌کشید به صورت خود زد و گفت: «آیا پسری خواهم آورد در

حالی که) پیر زنی نازا هستم؟!».

برخی از مفسران فریاد همسر حضرت ابراهیم علیه السلام را از روی تعجب و توأم با شادی دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳۴۸/۲۲؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ۱۴۹/۷). به نظر می‌رسد می‌توان از این برداشت به این نکته دست یافت که حتی در سنین پیری نیز علاقه به فرزندآوری در زنان وجود دارد.

دوم، علاقه و عطوفت فوق‌العاده مادر به فرزند و اهتمام به مراقبت همه جانبه از او است. نمونه قرآنی آن در داستان حضرت موسی علیه السلام نمودار شد که مادر ایشان، به‌رغم الهام الهی، به شدت نگران وضعیت فرزندش بود تا آنکه به تدبیر الهی آرامش به ایشان بازگشت:

﴿وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِغًا إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (قصص/۱۰)؛ (سرانجام) قلب مادر موسی از همه چیز (جز یاد فرزندش) تهی گشت و اگر دل او را (به وسیله ایمان و امید) محکم نکرده بودیم، نزدیک بود مطلب را افشا کند!

این امر طبیعی است که مادری که نوزاد خود را با این صورت از خود جدا کند، همه چیز را جز نوزادش فراموش کند و آن چنان هوشیاری خود را از دست بدهد که بدون در نظر گرفتن خطراتی که خود و فرزندش را تهدید می‌کند، اسرارش را فاش سازد. اما خداوند، قلب او را آن چنان استحکام می‌بخشد که به وعده الهی ایمان داشته باشد و بداند که کودکش در دست خدا است و سرانجام به او باز می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳۳/۱۶-۳۲).

زن از نظر روحی سهم بیشتری از عواطف و احساسات دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۴۳) و این احساسات، مادرانه بوده که از دوران کودکی در او نمودار است. علاقه زن به خانواده و توجه ناآگاهانه او به اهمیت کانون خانوادگی بیش از مرد است (مطهری، ۱۳۷۹، ۱۶۴). احساسات و عواطف وی تا حدی است که فرزند را بر خود مقدم می‌داند و همواره در رفع احتیاجات و تربیت و هدایت او



پدرت، احسان کن به پدرت و تاکید بر احسان کردن را پیش از پدر، به مادر آغاز کرد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱۶۲/۲). اهمیت احترام به درخواست‌های مادر تا بدانجاست که از جهاد کفایی در راه خدا نیز واجب‌تر است. مردی خدمت رسول خدا ﷺ آمد و عرض کرد: من جوانی با نشاطم و جهاد را دوست دارم، ولی مادری دارم که نمی‌خواهد به جهاد بروم. پیامبر ﷺ به او فرمود: «بازگرد و همراه مادرت باش، سوگند به آن که مرا به حق به نبوت مبعوث فرموده، انس گرفتن یک شب او با تو، از جهاد یک سال تو در راه خدا بهتر است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱۶۳/۲). حضرت زهرا (علیها السلام) به خدمت کردن به مقام مادر امر فرموده است (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ۹۱۰/۱۱)، پیامبر اسلام ﷺ نیز بهشت را زیر پای مادران دانسته (نوری، ۱۴۰۸ق، ۱۸۰/۱۵) و بوسیدن پیشانی مادر را از عوامل مصون ماندن از آتش جهنم برشمرده‌اند (پاینده، ۱۳۸۲، ۷۵۱).

تبع در سیره رفتاری معصومان (علیهم السلام)، اهتمام ویژه آنان در احترام به مقام مادری را به دست می‌دهد. به عنوان نمونه، «ثویبه» اولین زنی بود که نبی مکرم اسلام ﷺ از شیر وی نوشید (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ۴۵/۱)، پیامبر اسلام ﷺ نیز به پاس داشت زحمات ایشان، احترام فراوانی برای وی قائل بود، هدایای ارزش‌مندی به ایشان تقدیم می‌کرد و با شنیدن خبر فوت وی، بسیار ناراحت شد (ابن حیون، ۱۴۰۹ق، ۲۲۷/۳). امام سجاد (علیه السلام) نیز جهت حفظ احترام مادر بزرگوار خویش، هرگز با ایشان از یک کاسه، غذا میل نکردند؛ چرا که شرم داشتند که شاید لقمه‌ای را برداشته و میل نمایند که آن لقمه، مورد نظر و علاقه مادرشان باشد (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ۱۶۲/۴).

### ۳-۱-۲-۲. فرایند مادری

مقام مادری دارای چنان اهمیتی در فرهنگ و حیانی - اسلامی است که برای آن، روندی را ارائه می‌کند که از زمان انتخاب همسر، آغاز و حتی تا پس از فوت مادر نیز ادامه می‌یابد و بیان‌گر نقش تربیتی مادر در سرنوشت انسان است.



در قرآن کریم، زنان به مزرعه‌ای تشبیه شده‌اند که بذر مرد را در درون خود پرورش (قرآنی، ۱۳۸۳، ۳۵۴/۱) می‌دهند:

﴿نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاَتُوا حَرْثَكُمْ اَنِي سِتْتُمْ وَ قَدَّمُوا لَانَفْسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اَعْلَمُوا اَنَّكُمْ مَلَاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ □ (بقره/۲۲۳)؛ زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند، پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آنها آمیزش کنید و (سعی نمایید از این فرصت بهره گرفته، (با پرورش فرزندان صالح) اثر نیکی برای خود، از پیش بفرستید! و از خدا بپرهیزید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد و به مؤمنان، بشارت ده!

خداوند، مرد را به ازدواج با زن صالح دعوت می‌کند تا فرزند وی، شایسته و نیکو شود (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ۴۰۰/۱). پس شخص مؤمن باید در انتخاب کشتزار انسانی، به خدا و مشیت او توجه داشته باشد و از هر اندیشه انحرافی و گناه پروا کند (طالقانی، ۱۳۶۲، ۱۳۵/۲)، زیرا صفات مزرعه در پروراندن بذر تأثیر چشم‌گیری داشته (حسن‌زاده، ۱۳۶۵، ۶۹۰) و پس از تشکیل نطفه، مادر نقش اصلی در رشد و نمو کودک را به عهده دارد.

توصیه‌های فراوانی که درباره روش صحیح انتخاب همسر و ویژگی‌های همسر نمونه (چه از لحاظ روحی و چه از لحاظ جسمی) در آموزه‌های اسلامی وجود دارد، به جنبه‌های مهمی معطوف است که یکی از آنها، نقش مهم مادری است. به عنوان نمونه به ذکر دو مورد اکتفا می‌گردد. در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «به اشخاص هم‌شان زن بدهید و از اشخاص هم‌شان زن بگیرید و محل نطفه‌های خود را به دقت انتخاب کنید» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۴۸/۲۰). تأثیر نوع خانواده و طبقه اجتماعی در انتخاب همسر و نطفه انسان از نکات مطرح شده در این حدیث است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام نیز، گزینش مادری خوب و شایسته برای فرزند، از جمله وظایف پدر برشمرده شده است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ۳۲۲).

مادر پس از انعقاد نطفه، دارای نقشی ممتاز در دوران بارداری و دوران شیردهی فرزند است، چنانچه مطابق با حدیث شریف نبوی ﷺ، خصلت‌های زن از طریق شیر دادن به کودک منتقل می‌شود (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۴۶۷/۲۱). مادر در هنگام بارداری و شیردهی موظف است که غذای حلال بخورد و از هرگونه اندیشه باطل و گناه و خاطرات تلخ برحذر باشد، چرا که این امور در جسم و جان فرزند، مؤثر خواهد بود (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۷۴، ۲۲۱). در دوران کودکی نیز با توجه به علاقه منحصر به فردی که میان کودک و مادر وجود دارد، تمام آرزوی کودک در مادر خلاصه می‌شود و گفتار، کردار و اخلاق مادر در وی مؤثر است (جعفرزاده، ۱۳۸۷، ۳۵۰).

رابطه تربیتی مادر و فرزندان، حتی پس از فوت مادر نیز ادامه دارد، مادران پس از مرگ نیز می‌توانند در حق فرزندان خویش دعا کنند و هم از خیرات آنها بهره‌مند شوند و یا اگر در تربیت فرزند خویش کوتاهی کرده‌اند، عذاب شوند (اسدی، ۱۳۸۸، ۱۲۳-۱۲۴). چه بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر، عاق ایشان باشد و بعد از فوت ایشان به سبب اعمال خیری که برای ایشان به جا آورده، نیکوکار شود و چه بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر، نیکوکار بوده و بعد از فوت ایشان، به خاطر آن که اعمال خیری که باید برای ایشان بفرستد را کم به جای آورده است، عاق گردد (مجلسی، ۱۴۲۳، ۳۵۸).

### ۳-۱-۲-۳. حقوق و تکالیف مادر

با توجه به آموزه‌های فرهنگ و حیانی - اسلامی، سه عنصر «شناخت»، «قدردانی و احسان» و «اطاعت مشروط» از برجسته‌ترین لوازم حق مادری است. درباره شناخت حق مادر از رسول گرامی اسلام ﷺ سؤال شد، حضرت ﷺ فرمود: «هیئات هیئات (رفیع است رفیع است) اگر فرد به اندازه عدد ریگ بیابان ریگ‌زار و به اندازه قطره‌های باران همه عمر دنیا در برابر مادرش بایستد (و خدمتکاری کند) این معادل یک روز بارداری مادر و حمل فرزند در شکم

نمی‌شود» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ۲۶۹/۱).

از آنجا که پدر و مادر واسطه فیض الهی و عهده‌دار انتقال نعمت‌های خداوند به فرزند هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۴۱/۱۷). در این مسیر، زحمات فراوانی را متقبل شده‌اند. بدین رو خداوند، انسان را به شکر و احسان در مقابل والدین امر فرموده (لقمان/۱۴) و تأکید دارد:

﴿وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ (بقره/۸۳)؛ و به پدر و مادر نیکی کنید.

امام صادق علیه السلام مصداق احسان به والدین را حُسن مصاحبت و همراهی با آنها و به زحمت نیانداختن آنها با طلب کردن چیزی که خودشان بدان احتیاج دارند، دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱۵۷/۲).

از جمله قدردانی‌ها از مادر، قدردانی پدر فرزند در زمان شیردهی است:

﴿وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا﴾ (بقره/۲۳۳)؛ و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده [پدر]، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن پردازد، حتی اگر طلاق گرفته باشد) هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست.

بر این اساس می‌بایست پدر، هزینه زندگی مادر، از نظر غذا و لباس، را در حد وُسع خود و در دوران شیردهی تأمین کند تا مادر با خاطری آسوده بتواند فرزند را شیر دهد (رازی، ۱۴۰۸ق، ۲۸۶/۳).

اما درباره اطاعت مشروط، تا آنجا که اوامر مادر به خلاف اوامر الهی نباشد، می‌توان از وی تبعیت کرد، در غیر این صورت باید با حفظ احترام وی، که مورد پسند شرع و مقتضای کرامت است (ابن عجبیه، ۱۴۱۹ق، ۳۶۹/۴)، از دستورش سرپیچی کرد:

﴿وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا﴾ (لقمان/۱۵)؛ و هرگاه آن دو، تلاش کنند که تو

چیزی را همتای من قرار دهی که از آن آگاهی نداری (بلکه می‌دانی باطل است)، از ایشان اطاعت مکن، ولی با آن دو، در دنیا به طرز شایسته‌ای رفتار کن. دربارهٔ تکلیف مادر (و پدر)، امام سجاد علیه السلام فرموده‌اند: «حق فرزند تو این است که بدانی او از تو و وابسته به تو است و در پسند و ناپسند دنیای زودگذر، دنباله‌روی تو است. به درستی که از تو دربارهٔ تربیت نیکو، راهنمایی به سوی پروردگارش و یاری رسانی فرزندت در فرمان‌پذیری از خداوند نسبت به خویش و حق فرزندت پرسیده خواهد شد؛ پس [اگر وظیفه‌ات را به انجام رسانی] پاداش بگیری و چون [کم کاری کنی] بازخواست شوی. پس با فرزندت چنان رفتار کن که در دنیا آثار نیک تربیت مایهٔ سرفرازی و زینت تو باشد و (در آخرت) بر اثر انجام وظیفه در پیشگاه خدا معذور باشی» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ۲۳۶).

پس به طور کلی سه امر «تربیت نیکو»، «راهنمایی به سوی خداوند» و «یاری رساندن در فرمان‌پذیری از خداوند» تکلیف و وظیفهٔ مادر در برابر فرزند است که هم با بعد جسمی و هم با بعد روحی فرزند مرتبط است.

### ۲-۳. حکمت

هر خردمندی که در آفرینش و هماهنگی موجود در آن تأمل کند، بر وجود خالق حکیم اقرار خواهد داشت:

﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا...﴾ ﴿آل عمران/۱۹۱﴾؛ کسانی که خدا را ایستاده و نشسته و در حالی که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند و در اسرار آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند (و می‌گویند): پروردگارا! این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای.

خداوند متعال در نود و هفت آیه از قرآن (نمونه ر.ک: بقره/۲۰۹؛ آل عمران/۶؛ تغابن/۱۸) خود را به حکیم بودن متصف کرده است (قرشی، ۱۳۷۱، ۱۶۴/۲). امام علی علیه السلام نیز تأمل در مخلوقات را موجب دست‌یابی به حکمت

خداوند دانسته‌اند: «در آنچه (خداوند) آفریده، آثار ساختن و نشانه‌های حکمت او آشکار است، که هر یک از پدیده‌ها حجت و دلیلی بر وجود او هستند، گرچه برخی مخلوقات، به ظاهر ساکت‌اند، ولی بر تدبیر خداوندی گویا و اشاره آنها بر آفریننده‌شان برپاست (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ۱۲۶)». پس خداوند هر چیزی را با تدبیر خویش در جایگاه اصلی خود قرار داده است (صدوق، ۱۳۹۸، ۵۳).

در فرهنگ و حیانی - اسلامی، خداوند هر آنچه انسان براساس انسانیت بدان نیاز داشته است را برآورده ساخته (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۶۱/۱۲) تا وی به سوی هدفی که در آفرینش برای وی تعیین شده (در زبان قرآن و حدیث از آن به «قرب به خدا» و یا «عبادت و بندگی» (ذاریات/۵۶) تعبیر شده است) حرکت کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۳۲۲).

از آنجا که در فرهنگ و حیانی - اسلامی، هیچ چیزی نابجا و خالی از حکمت و فایده آفریده نشده (مطهری، بی‌تا، ۸۵/۲) و نظام هستی و آفرینش، بر عدل و توازن و براساس استحقاق‌ها و قابلیت‌هاست (مطهری، ۱۳۸۷، ۳۵) خلقت دو جنس مخالف نیز، برای ادامه نسل انسان است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸۸/۳) و زن به دلیل ویژگی‌هایی ساختاری و روحی که دارد، عهده‌دار مقام مادری شده و مظهر تداوم نسل انسان است. این امر ارزش و شرف والایی به زن داده و همچنین مسئولیت بنیادین تربیت کودکان را به عهده مادر قرار داده است (ر.ک: جعفرزاده، ۱۳۸۷، ۳۵۰).

اما برخی از نظریه پردازان، سپردن وظیفه مادری به زن را به دلیل به همراه داشتن سختی‌های فراوان، امری ظالمانه و به خلاف عدل الهی دانسته و نوعی تحمیل بر وی می‌دانند (ر.ک: زیبایی‌نژاد، سبحانی، ۱۳۸۸، ۱۰۵-۱۰۴). از جمله دیدگاه‌هایی که در نگرش مادی‌گرایانه و غربی رواج یافته، نفی نقش پدری و مادری است که در آن، «دولت» جانشین پدر و مادر می‌شود و پس از تولد کودک، از طریق مؤسسات عمومی [مانند مهد کودک] بر تربیت و بلوغ وی

نظارت خواهد داشت تا دیگر افراد، وقت خویش را در پرورش کودک تلف نسازند (ر.ک: مطهری، بی تا، ۳۰۴/۲۱). خداوند که خالق انسان است و بهتر از هر شخص دیگری مصالح وی را می‌داند، مسیر تربیت و پرورش کودک را از درون خانواده و در دامن مادر مشخص کرده است. چنانچه دولت‌ها مکلف به تربیت کودکان شوند، ضمن بی‌بهره شدن نسل انسان از محبت و احساس، به علت تغییر دولت‌ها و در نتیجه تغییر برنامه‌ها و رویکردهای آنها، تناقض‌هایی در تربیت انسان‌ها مشاهده خواهد شد.

با این دیدگاه، از یک سو شخصیت انسان‌ها را درهم می‌کوبند و کودکانی فاقد عواطف انسانی تربیت می‌کنند که آینده جامعه را به خطر خواهند انداخت، و از سوی دیگر، زن و مرد نیز از حس پدری و مادری خویش محروم می‌شوند و زمینه‌های انحطاط خانواده‌ها، به عنوان تکیه‌گاه مستحکم و عاطفی افراد، تقویت می‌گردد. در اثر انحطاط خانواده، بافت جامعه متزلزل و ناهمگون و زمینه برای جرم و فساد، بیش از پیش فراهم خواهد شد. همچنین از آنجا که والدین با تدبیر الهی در تکوین فرزند خویش نقش بارزی دارند و اوصاف روانی و جسمانی آنها تأثیر خاصی در فرزند دارد (ر.ک: حسن‌زاده آملی، ۱۳۶۵، ۶۸۹). براساس حب ذات، که روشن‌ترین و کامل‌ترین غریزه بشری است، فرزند خویش را از خود دانسته و براساس محبتی نامحدود، تمام اهتمام خویش را مصروف هدایت جسمی و روحی وی خواهند کرد. این امر، به خلاف نگرش و توجه دولت‌ها به کودکان است؛ زیرا دولت‌ها براساس منفعتی محدود، کودکان را شهروندان آینده‌سازی می‌دانند که می‌بایست قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن کشور را تأمین کنند.

### ۳-۳. رضایت

کسی که از یک سو، غریزه مادری را ناشی از حکمت الهی و مؤثر از هدایت الهی بداند و از سوی دیگر، دارای نگرشی توأمان به دنیا و آخرت بوده و به معاد

و برپایی روز قیامت و حسابرسی معتقد باشد، به دنبال ایفای نقش مادری منطبق بر خواست الهی است تا رضایت الهی را به دست آورد، که بالاترین نعمت و سعادت است (توبه/۷۲). از دیگر نتایج کسب رضایت الهی در ایفای خداپاورانه نقش مادری، احساس رضایتی است که زن نسبت به نقش مادری خود، فرزند، همسر و زندگی خانوادگی خود و عقاید و اندیشه خود به دست خواهد آورد. با این نگرش، تحمل تمام سختی‌های پیش روی مادر بر وی شیرین می‌گردد و تطابق نیت، کردار و گفتار خود با فرامین الهی را وجه اهتمام خویش قرار می‌دهد. بدین رو، از ابتدای انعقاد نطفه، توجه والدین به خالق یکتا خواهد بود. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «در هنگام آمیزش بگو که خداوند! به من فرزندی عطا فرما و او را پرهیزگار و پاکیزه قرار بده که هیچ‌گونه نقص و یا فزونی در خلقتش نباشد و عاقبتش را ختم به خیر فرما (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱۰/۶)». حدیث مذکور می‌تواند بیان‌گر حرکت در راستای رضایت الهی از ابتدای تصمیم برای عهده‌داری مقام مادری باشد.

اگر این اهتمام پس از انعقاد نطفه تا تولد و شیردهی فرزند ادامه داشته باشد، ضمن تأمین رضایت الهی، ثواب و برکات فراوانی را به ارمغان خواهد آورد؛ امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله از جهاد یاد کرد. زنی به ایشان گفت: ای رسول خدا! از این جهاد برای زنان [سهمی] نیست؟ حضرت فرمود: برای زن در فاصله حاملگی تا زایمانش و تا از شیر گرفتن فرزندش اجری مانند اجر کسی که خود را در راه خدا (و جهاد) قرار داده، وجود دارد، پس اگر در این فاصله بمیرد، مقام شهید را دارد» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۵۶۱/۳).

مدیریت زن در برابر تزاحم‌های درونی و بیرونی و توفیق وی در اجرای فرامین الهی در زمینه وظایف مادری، موجبات رضایت الهی را فراهم می‌آورد و لازمه این مهم، اخلاص است. درباره اخلاص تأکید فراوانی در آموزه‌های اسلامی وجود دارد که به ذکر دو آیه و روایت اکتفا می‌گردد. خداوند متعال در

آیات قرآن کریم بر اخلاص بندگان خویش امر فرموده است (به عنوان نمونه: اعراف/۲۹). شیطان نیز تصریح کرده که تمام بندگان را به جز آنانی که خود را برای خداوند مخلص کرده‌اند، گمراه خواهد کرد:

﴿ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴾ (ص/۸۲-۸۳)؛ (شیطان) گفت: «به عزت سوگند، همه آنان را گمراه خواهم کرد، مگر بندگان خالص تو، از میان آنها».

در حدیث قدسی آمده است: «من بهترین فرد در شراکت هستم و اگر کسی، غیر از من را در عملش شریک قرار دهد، جز آن بخش از عمل که خالص برای من انجام شود را نمی‌پذیرم (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲/۲۹۵). امام علی علیه السلام نیز فرموده است: «هر زمان که آن عمل را خالص کردی، عملت تا قیامت ماندگار است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ۱۵۵).

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به تلاش فرزندان در به دست آوردن رضایت مادر(و پدر) در راستای رضایت الهی تأکید فرموده‌اند: «رضایت خداوند با رضایت والدین و خشم او با خشم آنهاست (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ۲/۳۶۸).

### نتیجه‌گیری

برایند مباحث ارائه شده در این نوشتار را می‌توان در چند نکته بیان کرد:

۱. فرهنگ و حیانی - اسلامی مجموعه‌ای از آموزه‌های بینشی (ناظر به عقاید و باورها)، گرایشی (ناظر به ارزش‌ها) و کنشی (ناظر به آداب، رسوم، الگوها و شیوه‌های عملی) است که از قرآن کریم و سیره پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ایشان، به عنوان تبیین کنندگان قرآن، به دست می‌آید.
۲. می‌توان براساس سه شاخصه «حکمت»، «هدایت» و «رضایت»، ناظر بر اصول اعتقادی پنج‌گانه شامل بر توحید، نبوت، امامت، معاد و عدل، رابطه نقش «مادری» زن و اصول اعتقادی فرهنگ و حیانی - اسلامی را تبیین کرد.



۴. براساس هدایت تکوینی، ویژگی‌های جسمی (مانند رحم و پستان) و ویژگی‌های روان‌شناختی (مانند علاقه به فرزندآوری و عواطف شدید نسبت به فرزند)، و هدایت تشریحی، قرآن کریم و سیره پیامبر اسلام ﷺ و امامان علیهم‌السلام، زن، عهده‌دار نقش مادری بوده و جایگاه برجسته نقش مذکور و حقوق و تکالیف وی تبیین شده است.

۵. براساس حکمت الهی، وجود غریزه مادری در تطابق کامل با هدف‌داری جهان و عدل الهی است و آثار ارزش‌مندی در ایفای صحیح آن وجود خواهد داشت و هرگونه دیدگاهی که آن را امری ظالمانه بداند، نفی می‌گردد.

۶. چنانچه حکمت و هدایت الهی در غریزه مادری پذیرفته شود، ایفای صحیح نقش مادری منطبق بر معارف الهی وجه اهتمام قرار خواهد گرفت تا رضایت الهی را به ارمغان آورد. در راستای رضایت الهی، زن از نقش مادری و عقاید خود احساس رضایت و خشنودی خواهد کرد و موجبات سعادت اخروی وی نیز فراهم خواهد شد.

### پی‌نوشت‌ها

#### 1. Humanism

۲. این نکات براساس آموزه‌های قرآنی (به عنوان نمونه ر.ک: سجده/۲۴، انبیاء/۱۶-۱۷، بینه/۸۷) و ناظر به حدیث منسوب به امام علی علیه‌السلام - مفسر حقیقی قرآن کریم - به دست آمده است: «رَحِمَ اللهُ امْرَأَةً أَعَدَّتْ لِنَفْسِهِ وَاسْتَعَدَّتْ لِرْمْسِهِ وَعَلِمَ مِنْ أَيْنَ وَفِي أَيْنَ وَالِىَ أَيْنَ» (ملاصدراى شیرازی، ۱۳۸۳، ۵۷۱/۱).

### منابع و مآخذ

۱. آزاد ارمکی، تقی و غیاثوند، احمد (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی در ایران*، تهران: انتشارات آن.
۲. آل کاشف الغطاء، محمد حسین (۱۴۱۳ق)، *اصل الشیعه و أصولها*، بیروت: مؤسسه الأعلمی، چاپ چهارم.
۳. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق)، *عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث*

- الدینیّه، تصحیح مجتبی عراقی، قم: دار سیدالشهداء للنشر.
۴. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷)، *النهایه فی غریب الحدیث و الأثر*، تصحیح محمود محمد طناحی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم.
۵. ابن حیون، نعمان بن محمد (۱۴۰۹ق)، *شرح الأخبار فی فضائل الأئمه الأطهار*، تحقیق محمد حسین حسینی جلالی، قم: جامعه مدرسین.
۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۷. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹)، *مناقب آل ابی طالب*، قم: علام.
۸. ابن عجیبه، احمد بن محمد (۱۴۱۹ق)، *البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید*، تحقیق احمد عبدالله قرشی، قاهره: دکتر حسن عباس زکی.
۹. اسدی، محمد علی (۱۳۸۸)، *حیات پس از مرگ «تحقیق در حیات برزخی»*، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ چهاردهم.
۱۰. بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین (۱۳۶۱)، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، تهران: نهضت زنان مسلمان.
۱۱. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله (۱۴۱۳ق)، *عوامل العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء الی الامام الجواد)*، تحقیق محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی، قم: مؤسسه الإمام المهدی.
۱۲. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، *نهج الفصاحه*، تهران: دنیای دانش، چاپ چهارم.
۱۳. پژوهشکده تحقیقات اسلامی (۱۳۸۶)، *فرهنگ شیعه*، قم: زمزم هدایت، چاپ دوم.
۱۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، *غررالحکم و دررالکلم*، تحقیق سید مهدی رجائی، قم: دارالکتاب اسلامی، چاپ دوم.
۱۵. توفیقی، حسین (۱۳۸۹)، *آشنایی با ادیان بزرگ*، تهران: مؤسسه طه و جامعه المصطفیٰ العالمیه، چاپ سیزدهم.
۱۶. جعفرزاده، محمد حسن (۱۳۸۷)، *منشور فرهنگ از نگاه امام خمینی*، قم: مؤسسه فرهنگی و لاء منتظر.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۴)، *زن در آینه جلال و جمال*، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ چهارم.
۱۸. ----- (بی تا)، *حق و تکلیف در اسلام*، قم: اسراء.
۱۹. حجتی، سید محمد باقر (۱۳۸۷)، *تاریخ قرآن کریم*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ بیست و چهارم.
۲۰. حسن زاده آملی، حسن (۱۳۶۵)، *هزار و یک نکته*، تهران: رجاء، چاپ پنجم.
۲۱. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳)، *تفسیر اثنی عشری*، تهران: انتشارات میقات.

۲۲. خاتمی، احمد (۱۳۷۰)، *فرهنگ علم کلام*، تهران: انتشارات صبا.
۲۳. دغیم، سمیح (۲۰۰۱)، *مصطلحات الامام الفخر الرازی*، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
۲۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۶)، *فرهنگ لغت دهخدا*، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۲۵. رازی، ابوالفتح حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت - دمشق: دارالقلم، الدار الشامیه.
۲۷. زیبایی نژاد، محمد رضا، سبحانی، محمد تقی (۱۳۸۸)، *درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام*، چاپ دهم، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۲۸. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغه*، تحقیق صبحی صالح، قم: هجرت.
۲۹. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، تحقیق مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام.
۳۰. عابدی، احمد (۱۳۸۷)، «وحی قرآنی و وحی بیانی»، فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین دینی، شماره ۱۳.
۳۱. صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲)، *الخصال*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۲. ----- (۱۳۷۱)، *الاعتقادات*، ترجمه محمد علی حسنی، تهران: انتشارات اسلامی.
۳۳. ----- (۱۳۷۸)، *عیون اخبار الرضا*، تصحیح مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان.
۳۴. (۱۳۹۸)، *التوحید*، تحقیق هاشم حسینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۵. (۱۴۰۳ق)، *معانی الأخبار*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۶. (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۳۷. طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲)، *پرتوی از قرآن*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم.
۳۸. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۸)، *شیعه در اسلام*، قم: دفتر نشر اسلامی، چاپ سیزدهم.
۳۹. ----- (۱۳۵۳)، *قرآن در اسلام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
۴۰. ----- (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه

- مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۴۱. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۷ق)، *أعلام الوری بأعلام الهدی*، تحقیق مؤسسه آل‌البتیة، قم: آل‌البتیة.
۴۲. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الأحكام*، تحقیق حسن الموسوی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
۴۳. طبیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم.
۴۴. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵)، *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*، قم: انتشارات رضی.
۴۵. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت، چاپ دوم.
۴۶. فرهیخته، شمس‌الدین (۱۳۷۷)، *فرهنگ فرهیخته*، تهران: زرین.
۴۷. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم.
۴۸. قرشی، علی اکبر (۱۴۱۲ق)، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
۴۹. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷)، *تفسیر قمی*، تحقیق سید طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب، چاپ سوم.
۵۰. کاشانی، ملافتح‌الله (۱۴۲۳ق)، *زبدة التفاسیر*، تحقیق بنیاد معارف اسلامی، قم: بنیاد معارف اسلامی.
۵۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تحقیق تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۵۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم.
۵۳. ----- (۱۴۲۳ق)، *زاد المعاد*، تحقیق علاء‌الدین اعلمی، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۵۴. مدرسی، سید محمد تقی (۱۴۱۹ق)، *من هدی القرآن*، تهران: دار محب‌الحسین.
۵۵. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۶)، *چکیده‌ای از اندیشه‌های بنیادین اسلامی*، ترجمه حسین علی عربی، محمد مهدی نادری قمی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ چهارم.
۵۶. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)، *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران: انتشارات اسراء، چاپ بیست و نهم.
۵۸. ----- (۱۳۸۷)، *عدل الهی*، قم: انتشارات صدرا، چاپ بیست و نهم.

۵۹. ----- (۱۳۸۹)، *مقام زن (خلاصه آثار شهید مطهری* علیه السلام)، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، چاپ دهم.
۶۰. ----- (بی تا)، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری* علیه السلام، تهران: انتشارات اسراء.
۶۱. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴)، *تفسیر الکاشف*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۶۲. مفضل، بن عمر (۱۳۷۷)، *شگفتی های آفرینش (ترجمه توحید مفضل)*، ترجمه نجف علی میرزایی، قم: مؤسسه انتشارات هجرت، چاپ پنجم.
۶۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۶۴. ----- (۱۳۸۶)، *یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ*، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
۶۵. ملاصدرای شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۳)، *شرح أصول الکافی*، به تصحیح محمد خواجوی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۶۶. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، به تصحیح مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۶۷. نوری زاد، صمد (۱۳۸۳)، *آن سوی آیه ها، نگرشی بر اعجاز های پزشکی قرآن*، قم: آیت عشق.
۶۸. نویسندگان (۱۳۷۶)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، تهران: مازیار.

